

یعقوب آژند^۱

در آمد

تشکیلات کتابخانه و نقاش خانه در مکتب اصفهان

کتابخانه سلطنتی از دوره «ایلخانان» (مکتب تبریز ایلخانی) دو بخش عمده داشت: بخش مربوط به کتابداری و حفظ و نگهداری آنها و بخش مربوط به کتابت خانه که در آن شماری از هنرمندان از هر سنخ مشغول کار و تولید کتاب بودند. از اطلاعات جسته و گسسته منابع راجع به کتابت خانه، که از آن می‌توانیم به «کارگاه هنری» تعبیر کنیم، پیداست که هنرمندان را در این بخش بر اساس تخصص و مهارتشان طبقه‌بندی کرده بوده‌اند و هر یک یا هر گروه از آنان در حجره‌های خاصی کار و پیشه خود را در طرح‌های هنری دربار به پیش می‌برده‌اند. یکی از این حجره‌ها یا بخش‌های کارگاه هنری جایی بوده که نقاشان (نگارگران و طراحان) کار می‌کرده‌اند.

از قراین پیداست که جایگاه ویژه نقاشان در کارگاه هنری «کتابخانه سلطنتی»، به‌خصوص در «مکتب هرات»، «صورت خانه» نامیده می‌شد. صورت خانه جایی بود که در آن، علاوه بر حضور نقاشان و طراحان، امکانات خاص نقاشی، از جمله نقوش و طراحیها و الگوهای گوناگون، نگهداری می‌شد و در صورت اقتضا در اختیار نقاشان قرار می‌گرفت. در *عرضه‌داشت* جعفر بایسنقری، از صورت خانه‌ای نام برده شده که در حال ساخت آن بوده‌اند. در این *عرضه‌داشت* آمده است: «فرش ممر تمام شده و در دندان صورت خانه نشانده شده و مخارج نهاده»؛^۲ یعنی راهرو عمارت سنگ‌فرش شده و کنگره صورت خانه به پایان رسیده و ایوانک آن نیز تعبیه شده است. اصطلاح «صورت خانه» ظاهراً تا اوایل دوره صفوی به‌کار می‌رفته؛ چنان‌که در یکی از کتیبه‌های خانه پیرنیا در نایین، که از آن نیمه اول سده دهم هجری است، اصطلاح صورت خانه، گرچه به گونه توصیفی، به‌کار رفته و همان معنی را مستفاد کرده است:

ز غم بر یاد رخسارت به صورت خانه می‌رفتم
به هر صورت که بود آنجا دل خود شاد می‌کردم

توان گفت که در دوره صفوی خطاطان و کاتبان در بخش کتابت خانه کارگاه هنری کتابها را کتابت می‌کردند و در بخش صورت خانه هم نقاشان و طراحان با نگاره‌ها و طراحیها آن را می‌آراستند و مسلماً مذهبیان و جدول‌کشان و غیره هم جایگاه ویژه خود داشتند. این صورت خانه

در این مقاله، وجوه هم‌بسته کتابخانه و نقاش خانه در آغاز دوره صفوی و عوامل جدایی آنها در مکتب اصفهان پژوهیده می‌شود و جنبه‌های درون‌تشکیلاتی آنها، به فراخور استعداد منابع، شناسایی می‌گردد.

علاوه بر کتابخانه و نقاش خانه، درباره کارخانه‌های هم‌بسته‌ای همچون شعراب‌خانه (کارگاه بافندگی) جبه‌خانه (کارگاه اسلحه‌سازی) هم بحث می‌شود. مهم‌ترین محور این مقاله شکل‌گیری نقاش خانه به منزله نهاد مستقل درباری و علل و عوامل این شکل‌گیری است، که در نیمه دوم دوره صفوی، به‌ویژه در اواخر سده دهم هجری، رخ داد. از این‌رو، در ابتدا در تشکیلات کتابخانه و سپس در تشکیلات نقاش خانه فحص می‌شود و نتایج این هم‌بستگی و جدایی بازکاوی می‌گردد.

ظاهراً از نیمه دوم سده دهم تبدیل به «نقاش‌خانه» شد و در سده یازدهم هجری اصطلاح «نقاش‌خانه» به جای «صورت‌خانه» نشست و نقاش‌خانه یکی از بیوتات سلطنتی شد.

۱. کتابخانه سلطنتی

گفتیم که نقاش‌خانه، یا صورت‌خانه، در دل کتابخانه شکل گرفت. این دو بخش (نقاش‌خانه و کتابخانه) بعدها، به‌ویژه در سده یازدهم هجری، با ایجاد بیوتات سلطنتی از یکدیگر جدا و به دو نهاد یا تشکیلات ویژه درباری بدل شد. کتابخانه در مجموعه سلطنتی دربار ساخته شده بود و کنار آن هم کارگاه صحافی قرار داشت. اتاق کتابخانه کوچک بود، با درازای تقریبی ۶/۶۰ متر و پهنای تقریبی ۳/۶۰ متر. دیوارهایش را با رفهائی به عمق ۱۵ تا ۱۶ انگشت پوشانده بودند. در این رفها، کتابها را به نسبت طول و عرض و حجمشان، بدون توجه به موضوع و محتویات آنها، روی هم چیده بودند. نام مؤلف بعضی از کتابها در عطف آنها آمده بود. بر روی رفهای پر از کتاب پرده کشیده بودند، به طوری که کتابها پنهان شده بود و در موقع ورود به کتابخانه چیزی جز پرده دیده نمی‌شد. دو ردیف صندوق پر از کتاب هم در کنار دیوار قرار داشت و بلندی هر کدام ۱/۲۰ متر بود. کتابها کلاً فارسی، عربی و ترکی و گاهی به خط کوفی بود.^۲

در کتابخانه، دو صندوق محتوی کتابهای اروپایی نیز بود که هرکدام ۵۰ یا ۶۰ مجلد در بر داشت. بعضی از آنها کتاب دینی یا تاریخی یا ریاضی بود. کتابهای دینی را از غارت جزیره هرمز و کتابهای تاریخی و ریاضی را از تاراج خانه بروکمان^(۱)، سفیر هولشتاین^(۲)، به دست آورده بودند.^۳

کمپفر^(۳) تعداد کتابهای موجود در کتابخانه سلطنتی را ۹ تا ۱۰ هزار نسخه نوشته است.^۴ نخستین رئیس کتابخانه سلطنتی صفویان کمال‌الدین بهزاد بود که در سال ۹۲۸ق به فرمان شاه اسماعیل به کلاتری کتابخانه برگزیده شد. این فرمان امروزه در دست است.^۵ این سند بی‌نظیر دایره عملکرد وظایف رئیس کتابخانه را از نظر اجرایی مشخص کرده است. مسئولیت کتابت و تذهیب تمامی فرمانها و منشورها و نظارت بر کار هنرمندان و کارکنان کتابخانه، اعم

از کاتبان و نقاشان و مذهبیان و جدول‌کشان و حل‌کاران، زرکوبان و لاجوردشویان، کاغذگران، صحافان و مجلدان و باسهم‌چیان و غیره از جمله وظایف او بوده است.

شاه‌طهماسب پس از آنکه بهزاد در سال ۹۴۲ق درگذشت و خود نیز در اواخر عمر از حمایت هنرمندان دست کشید، مولانا یوسف را که غلام خاصه و شاگرد خود او بود و خط ثلث خوب می‌نوشت «کتابدار کرده و کتب سرکار خاصه شریفه را» به او سپرد.^۶

در زمان شاه اسماعیل ثانی، هویت رئیس کتابخانه در منابع مشخص نشده است؛ ولی وی کتابخانه را سر و صورتی دیگر بخشید و شماری از هنرمندان را از مناطق مختلف دعوت به کار کرد. بعید نیست که صادقی‌بیگ افشار نظارت بر کتابخانه و کارگاه هنری آن را بر عهده داشته است؛ چنان‌که در زمان شاه‌عباس اول منصب کتابداری نخست به صادقی‌بیگ افشار داده شد^۷ و سپس در سال ۱۰۰۷ق، یعنی با تشکیلات جدید پایتخت در اصفهان، علی‌رضا عباسی تبریزی خطاط جبراً و قهراً این منصب را از او گرفت؛ اما صادقی‌بیگ تا آخر عمر، یعنی تا سال ۱۰۱۷ق، «موجب کتابداری از دیوان اعلا می‌گرفت».^۸

به هر تقدیر، معلوم نیست که علی‌رضا عباسی تبریزی خوشنویس تا چه زمانی بر مسند ریاست کتابخانه بوده؛ ولی پس از او، ظاهراً در زمان شاه‌صفی (حکما ۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ق) میرزا محمد قمی، فرزند ارشد حکیم محمدباقر قمی که در فن طبابت چیره‌دست بود ولی در معالجه و مداوا بیش از حد احتیاط می‌کرد و جرئت به خرج نمی‌داد، از شاه خواست که او را به منصب کتابداری خاصه شریفه سربلند گرداند.^۹ میرزا محمد قمی، در سال ۱۰۴۹ق درگذشت و به جای او علی‌قلی‌بیگ (ظاهراً علی‌قلی‌بیگ جبه‌دار)، فرزند قره‌چقای‌خان (دوم)، به منصب کتابداری سربلند شد.^{۱۰}

از قراین پیداست که علی‌قلی‌بیگ برای مدتی منصب جبه‌داری را نیز از آن خود کرده؛ چون در بعضی از رقمهای خود از عنوان «جبه‌دار» بهره جسته است. از اینها گذشته، از نامه‌ای که فیلیپ آنجل^(۴)، نقاش هلندی دربار شاه‌عباس ثانی، در سال ۱۰۶۵ق نوشته پیداست که علی‌قلی‌بیگ نقاش‌باشی دربار نیز بوده، چون آنجل او را با این عنوان نامیده است.^{۱۱} از قرار معلوم، علی‌قلی‌بیگ به مدت سه سال منصب کتابداری داشته است؛ چون پس از

(1) Brugman

(2) Holstein

(3) Kaempfer

(4) Philip Angel

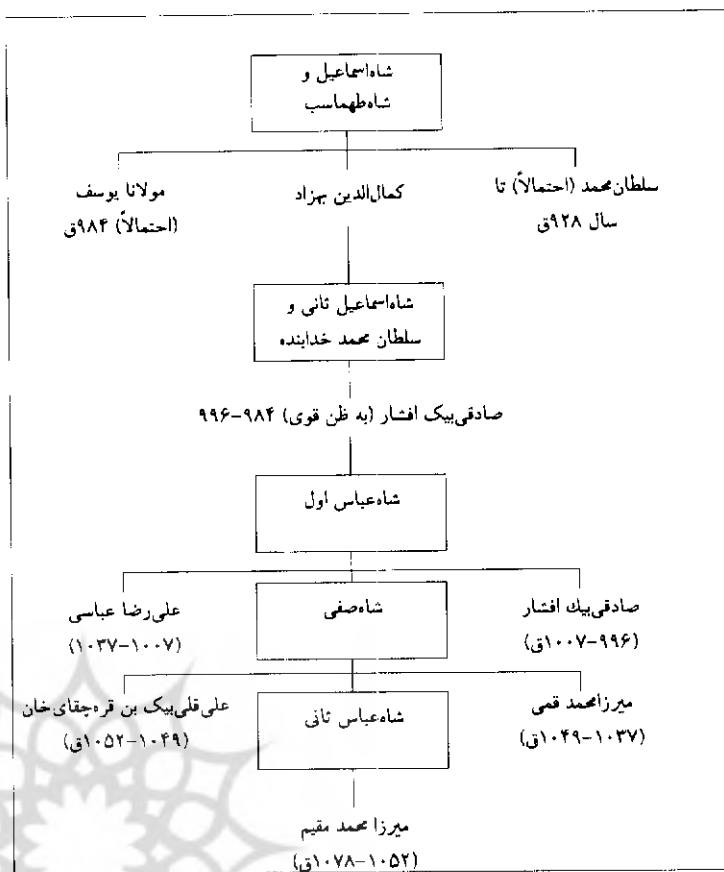
با توجه به اطلاعاتی که گذشت، می‌توان کتابداران خاصه کتابخانه سلطنتی صفویان را از آغاز تا دوره شاه سلیمان در نمودار ت ۱ نشان داد.

۲. نقاش‌خانه

در دهه ۹۵۰ ق که شاه‌طهماسب از هنرپروری و حمایت هنرها دست کشید، تشکیلات نقاش‌خانه به هم خورد.^{۱۴} شماری از هنرمندان عازم دربار گورکانیان هند شدند (میرمصور، میرسیدعلی، عبدالصمد شیرازی، دوست‌محمد هروی)؛ تعدادی هم به مشهد نزد ابراهیم‌میرزا رفتند تا در کتابخانه او کار کنند (شاه‌محمود نیشابوری، رستم‌علی، سلطان‌محمد خندان، عبدالله شیرازی)؛ چند تن از آنها هم، نظیر مظفرعلی و آقامیرک و میرزاعلی، در قزوین ماندند، در حالی که سفارشهایی را برای ابراهیم‌میرزا اجرا می‌کردند؛ بعضی دیگر، مثل صادقی‌بیک افشار، قلندری پیشه کردند و به سیر و سیاحت در چهار گوشه ایران پرداختند؛ شماری هم برای خود کارگاه خصوصی تشکیل دادند و به کتاب‌آرایی برای اعیان و اشراف و یا تهیه نگاره‌های تک‌برگی برای آنان پرداختند. بعید نیست که بعضی از هنرمندان هم عازم شیراز شده باشند تا در کارگاه‌های خصوصی این شهر کار کنند.^{۱۵}

با روی کار آمدن شاه‌اسماعیل ثانی در سال ۹۸۴ ق و با علاقه‌ای که او به سازمان‌دهی نقاش‌خانه از خود نشان داد، بار دیگر هنرمندان از چهار گوشه ایران در کتابخانه سلطنتی قزوین گرد آمدند و به کتاب‌آرایی و نقاشی پرداختند. صادقی‌بیک افشار؛ سیاوش گرجی و برادر او فرخ‌بیک؛ زین‌العابدین، نوه سلطان‌محمد تبریزی؛ مولانا شیخ‌محمد سبزواری؛ مولانا علی‌اصغر کاشی و فرزند جوان او رضا؛ مولانا عبدالجبار استرآبادی؛ مولانا حسن مذهب بغدادی؛ مولانا عبدالله شیرازی؛ محمدی هروی؛ قصری‌بیک کوسه؛ نقدی‌بیک؛ مراد دیلمی؛ مهرباب گرجی؛ میرسیداحمد مشهدی خوشنویس و مولانا محمدحسین خطاط از آن جمله بودند و به نقاش‌خانه سلطنتی رونقی دگرپاره بخشیدند.

پس از مرگ شاه‌اسماعیل ثانی، نقاش‌خانه بار دیگر از رونق افتاد، چون سلطان‌محمد خدابنده چندان عنایتی بدان نداشت و فقط فرزند او، حمزه‌میرزا، از هنرمندان



جلوس شاه‌عباس ثانی بر تخت سلطنت در سال ۱۰۵۲ ق، میرزا محمد مقیم، فرزند میرزا قوما، مستوفی‌الممالک زمان شاه‌صفی، «به خدمت ارجمند کتابداری سرافراز گردید».^{۱۳}

خبر داریم که میرزا محمد مقیم تا سال ۱۰۵۷ ق در منصب کتابداری خاصه شریفه خدمت می‌کرد؛ چون در این سال شاه‌عباس ثانی او را به رسم ایل‌چی‌گری روانه هندوستان، نزد سلاطین دکن در گلکنده، کرد.^{۱۴}

از عبارات شاردن درباره میرزا محمد مقیم پیداست که ریاست کتابخانه در زمان شاه‌سلیمان تغییر کرده بوده است؛ چون وی می‌نویسد: «میرزا مقیم، که شاه‌عباس دوم در سال ۱۰۵۷ او را به سمت سفارت به دربار شاه گلکنده فرستاد، قبلاً رئیس این کتابخانه بود».^{۱۵} شاردن با اینکه توصیفی پررنگ از کتابخانه سلطنتی صفویان می‌نویسد، چیزی از ریاست آن به قلم نمی‌آورد. میرزا محمد مقیم آخرین کتابدار شناخته‌شده کتابخانه سلطنتی صفویان است. دانسته نیست که در زمان شاه‌سلیمان و شاه‌سلطان حسین چه کسی این مسئولیت را به عهده داشته است.

حمایت می‌کرد؛^{۱۸} چنان‌که سیاوش‌بیک و برادرش فرخ‌بیک در سلك معتمدان و هنرمندان او درآمدند.^{۱۹} ظاهراً در این دوره قنبر، مولانا علی‌اصغر کاشی و فرزند او رضا به خراسان مهاجرت کردند و در هرات به عباس‌میرزا پیوستند و بعدها همراه با او به قزوین بازگشتند و با شکل‌گیری دوباره نقاش‌خانه سلطنتی، در آن به کار پرداختند.

با شروع سلطنت شاه‌عباس اول در سال ۹۹۶ق، نقاش‌خانه سلطنتی انتظامی دوباره یافت و، از قرار معلوم، صادقی‌بیک افشار در صدر آن قرار گرفت.^{۲۰} صادقی‌بیک تا آخر عمر خود از دیوان اعلا مواجب‌کننداری می‌گرفت.^{۲۱} به غیر از صادقی‌بیک، حبیب‌الله ساوجی یا مشهدی، مولانا شیخ‌محمد سبزواری، محمدی هروی، سیاوش گرجی و فرخ‌بیک، مولانا علی‌اصغر کاشی و، بالاتر از همه، فرزند او رضا از جمله کارکنان اولیه نقاش‌خانه سلطنتی شاه‌عباس اول بودند.

شاه‌عباس در سال ۱۰۰۶ق پایتخت را از قزوین به اصفهان منتقل کرد و بر عرض و طول تشکیلات و تشریفات دربار افزود. به دستور او، سی‌وسه بیوتات و کارخانه خاصه و «عملة عمارات مبارکات» پدید آمدند.^{۲۲} این تأسیسات، که در اواخر دوره صفویان شمار آنها به پنجاه رسید، قسمتی در داخل قصر و پاره‌ای در خارج آن قرار داشت و هر يك وظیفه خاصی به انجام می‌رساند. کارخانه به این علت این عنوان را یافت که شماری از کارگران در آن کارهای مربوط به دربار را انجام می‌دادند و گاهی هم به جهت خود کار می‌کردند. پیداست که با شکل‌گیری بیوتات، دو نهاد کتابخانه و نقاش‌خانه از نظر عملکرد و وظایف از یکدیگر جدا شدند؛ گرچه ممکن بود کتابدارباشی بر هر دو نهاد ریاست داشته باشد. چون در بیوتات سلطنتی کتابخانه و نقاش‌خانه جداگانه ذکر شده‌اند، رئیس کتابخانه را «کتابدارباشی» و رئیس نقاش‌خانه را «نقاش‌باشی» می‌گفتند.^{۲۳}

هر کارخانه یا کارگاهی برای خود رئیس داشت و او هم بر حسب وسعت و میزان کار، دارای کارکنان بیشتر و یا کمتر بود. هر کارخانه يك ممیز مالی به نام مشرف داشت و ثبت میزان مصرف و درآمد و مخارج کارخانه از وظایف او محسوب می‌شد. گاهی چند کارخانه يك تن ممیز داشت و بعید نیست کتابخانه و نقاش‌خانه چنین بوده

باشد. مشرف در قبال ناظر بیوتات مسئولیت داشت و باید به او حساب پس می‌داد؛ چون «ناظر باید اسناد و مدارک لازم را درباره این ارقام نگاهداری» می‌کرد.^{۲۴} رئیس کارخانه را «صاحب‌جمع» می‌گفتند. ناظر بیوتات پس از دقت و امعان نظر در گزارش مشرف، آن را در گزارشی جامع تنظیم و به وزیر اعظم، تقدیم می‌کرد. بدون امضای وزیر اعظم هیچ سندی اعتبار نداشت. پس از امضای وزیر اعظم، صاحب‌جمع «رسید» تهیه می‌کرد و این «رسید» برای دریافت وجوهات آماده بود.^{۲۵} طبق تذکرة الملوك، صاحب‌جمع نقاش‌خانه همه‌ساله سی تومان انعام می‌گرفت و رسوم او «از ده و نیم مصالح نقاشی، از پانزده دینار و دوپست و شش دینار و چهاردانگ» بود و صاحب‌جمع کتابخانه پنجاه تومان مواجب داشت.

۳. کارخانه‌های هم‌پسته نقاش‌خانه

از کارخانه‌هایی که ارتباط مستقیم با کار نقاش‌خانه داشت یکی شعریاف‌خانه (کارگاه بافندگی) بود. از نقاشان و طراحان نقاش‌خانه برای چاپ آرایه‌های زیبا بر روی پارچه‌های نفیس و گران‌بها استفاده می‌شد. یکی از عوامل رونق نگاره‌های تک‌برگی (یکه صورت) و کسادی کتاب‌آرایی در مکتب اصفهان بهره‌گیری از این نوع نگاره‌ها در پارچه‌ها و قالیها و سایر رسانه‌های هنری بود. در کارخانه نقاش‌خانه، دست‌کم ۷۲ نقاش کار می‌کردند.^{۲۶} کار طراحها و نقاشیهای این نقاشان بر روی پارچه‌های ابریشمی به قدری سنگین بود که شاه پارچه را برای رنگرزی و نقاشی به استادان خصوصی در شهر می‌فرستاد و به ایشان مزد می‌داد؛ یعنی «ابریشم و الیاف زری را جهت ساختن منسوجات و زربفت و قالی به خارج می‌دادند و اداره بیوتات مخارج آن را بر طبق تعرفه مخصوص می‌پرداخت».^{۲۷} هنرورزان روی پارچه‌های کتان و تافته و ساتن نقش‌آفرینی زرین و سیمین می‌کردند. آنان انواع نقشهای گل و برگ یا تصاویر و اشعار را با قالب روی انواع پارچه می‌انداختند و در این کار بسیار چیره‌دست بودند. آنان برای این کار از محلول نوعی صمغ استفاده می‌کردند.^{۲۸} بهترین پارچه‌ها در کارخانه‌های اصفهان، یزد و کاشان تولید می‌شد.

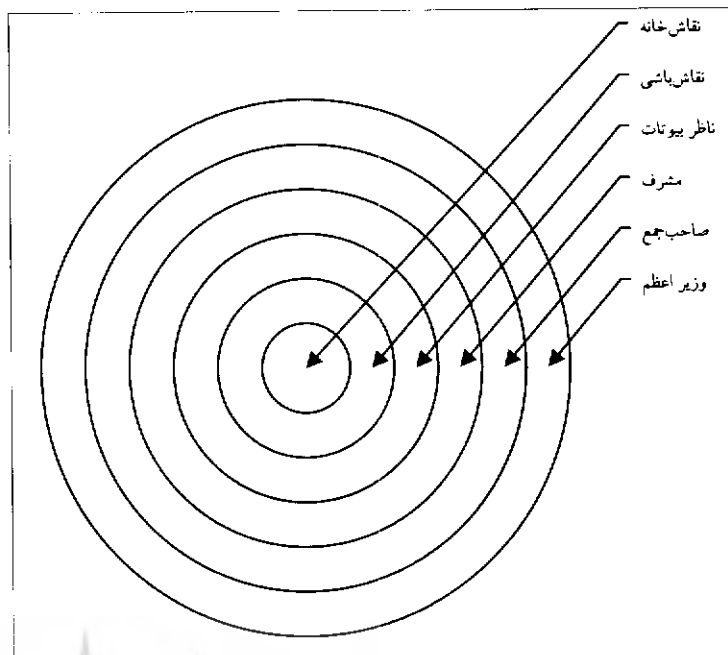
از طراحها و نقاشیهای هنرمندان، به غیر از

مهم داشت: یکی بخش خارج از دربار، شامل اسلحه‌خانه و آلات جنگ و پیکار و قلعه‌گیری و کلاً قورخانه (اسلحه‌خانه)، که قلعه طبرک اصفهان و قورخانه ایروان و سایر قلاع و ولایات را برای آن منظور کرده بودند و در آنها، علاوه بر سلاحهای متعدد، اسباب و وسایل جنگی خاص توپخانه نگهداری می‌شد؛^{۳۱} دیگری بخش داخل قصر، که جزو انبارهای سلطنتی کاخ سلطنتی محسوب می‌شد و در آن علاوه بر انواع تسلیحات نفیس و مرصع، اشیای دیگر از قبیل آینه، پرده نقاشی رنگ روغن، دوربین، ساعت و اشیای هنری اهدایی پادشاهان ممالک مختلف نگهداری می‌شد.^{۳۲}

جبه‌دارباشی (جبادارباشی) ناظر بر کل عملة جبه‌خانه بود و از «جمله اعظم مقربان و معتبرین درگاه پادشاهان» به حساب می‌آمد.^{۳۳} شاید به علت اینکه آلات و ادوات جنگی مکمل به جواهر و اشیای هنری را در جبه‌خانه نگه می‌داشتند و کار در جبه‌خانه در نهایت با هنرهای ظریفه سروکار داشت، در زمان شاه‌عباس ثانی مسئولیت اصلی آن، یعنی جبه‌دارباشی، را برای مدتی به عهده نقاش‌باشی دربار گذاشتند. این موضوع دست‌کم در مورد علی‌قلی‌بیگ، نقاش‌باشی دربار، مصداق دارد که منصب جبه‌دارباشی را هم داشته و در بعضی از رقمهای خود بر آن تأکید کرده است.

۴. امور مالی نقاش‌خانه

اندکی هم به امور مالی نقاش‌خانه می‌پردازیم. گفتنی است که این اطلاعات از طریق قیاس با امور مالی سایر کارخانه‌های بیوتات و با بهره‌گیری از اطلاعات شاردن عرضه می‌شود. گفتیم که صاحب‌جمع نقاش‌خانه همه‌ساله سی تومان انعام می‌گرفت و مستمری او نیز از ده‌ونیم مصالح نقاشی، از پانزده دینار و دو‌یست‌وشش دینار و چهاردانگ بود. مسلماً این مبلغ در مواقع مختلف فرق می‌کرده و کم و زیاد می‌شده است. اما پرداخت مزد نقاشان بر این مدار بوده که ناظر هر سال يك بار، معمولاً در فصل تابستان، به امور نقاش‌خانه و نقاشانی که برای شاه کار می‌کردند و چگونگی پرداخت حقوق آنان رسیدگی می‌کرد، معمولاً برای کلیة نقاشان يك حواله (برات) صادر می‌شد؛ ولی اگر نقاشی می‌خواست که حواله جداگانه‌ای داشته باشد،



منسوجات (پارچه، قالی، پرده)، بر روی ظروف چینی، سفالینه، فلزینته، دیوار، کاشی و غیره نیز استفاده می‌شد و هر کارخانه‌ای که با تولید این نوع کالاها سروکار داشت با نقاش‌خانه سلطنتی مرتبط بود.

از اینها گذشته، جبه‌خانه هم با امور هنری، به‌خصوص نقاش‌خانه، مرتبط بود؛ چون گرچه جبه‌دارباشی مسئول نگهداری اسباب اسلحه سرکار خاصه شریفه، از هر قسم، بود، «با آلات حرب و پیکار و قلعه‌گیری تماماً» سروکار داشت و «بدون تجویز او به احدی از عملة قورخانه (اسلحه‌خانه) تیول و مواجب و همه‌ساله داده» نمی‌شد.^{۳۴} اما به نوشته کمپفر:

در جبه‌خانه نه تنها انواع سلاحها و تجهیزات (تفنگ، خنجر، زره و نیزه)، بلکه انواع اشیا (آینه‌ها، پرده‌های نقاشی، دوربین) و اشیای هنری که از طرف امرای خارجی به دربار فرستاده شده بود، نگاهداری می‌شد. فلزکاران، هنرمندان متعدد از قبیل چاقوسازها، نیزه‌سازها، پیکان‌سازها، و غیره و، از آنها گذشته، کسانی که باروت تهیه می‌کردند و زره می‌ساختند و وسایل آتش‌بازی را مهیا می‌نمودند و سایر کسانی که در رشته تجهیزات فعالیت داشتند و در کارگاههای مختلفی که برای هر يك از انواع اسلحه در نظر گرفته شده بود کار می‌کردند زیر نظر جبه‌دارباشی قرار داشتند.^{۳۵}

در حقیقت، جبه‌خانه در دوره صفوی دو بخش

درخواستش را می‌پذیرفتند.

برای گرفتن حقوق نقاشان يك نفر انتخاب می‌شد و گاه ناظر به بعضی از نقاشان هم پاداش می‌داد. مزد نقاشان متغیر بود و بستگی تام به میزان قابلیت و چیره‌دستی آنان در کارشان داشت؛ چون در بین آنها از پادو تا استاد دیده می‌شد. معمولاً هر سه سال يك بار، چیزی بر حقوق نقاشان می‌افزودند یا مبلغی به منزله پاداش به آنان می‌پرداختند؛ و این البته به کرامت شاه یا موافقت وزیر اعظم و ناظر بستگی داشت. اگر نقاشی مورد ملاحظت و عنایت شاه قرار می‌گرفت، پاداشی خاص به او داده می‌شد.^{۲۴} در صورت فوت نقاش، اگر فرزندش می‌توانست به جای او وظایفش را انجام دهد، به خدمت مشغول می‌شد و حقوق پدر را به او می‌دادند.

۵. جمع‌بندی و نتیجه

از فحوای اطلاعات آمده در این جستار می‌توان به این جمع‌بندی و نتایج دست یافت: در اوایل دوره صفوی، کتابخانه سلطنتی، همانند ادوار پیشین، دو عملکرد سنتی کتابداری و کتاب‌آرایی را در خود جمع داشت؛ یعنی تشکیلات واحدی بود که بخشی از آن به کتاب‌آرایی یا کارگاه هنری اختصاص یافته بود. در این کارگاه هنری، شماری از هنرمندان از هر سنخ گرد آمده بودند و تحت نظر استادان به اجرای برنامه‌های هنری دربار اشتغال داشتند. واحدی که در آن نقاشان و طراحان کار می‌کردند در آغاز «صورت‌خانه» نامیده می‌شد و بعدها آن را «نقاش‌خانه» خواندند. سرپرست هنری نقاش‌خانه را نقاش‌باشی می‌گفتند، که از میان هنرمندان برجسته انتخاب می‌شد. ظاهراً آنان که از اسم شاه به عنوان لقب بهره می‌جستند — مثل رضا عباسی (منسوب به شاه‌عباس اول)، شفیع عباسی، شیخ عباسی، بهرام عباسی (منسوبان به شاه‌عباس دوم) — از استادان نامی دربار بودند و منصب نقاش‌باشیگری داشتند.

تشکیلات کتابخانه و نقاش‌خانه در مکتب اصفهان با شکل‌گیری بیونات سلطنتی در زمان شاه‌عباس اول از هم جدا شد و دو نهاد یا کارخانه مستقل از هم گردید و نقاش‌خانه از نظر تشکیلات مالی و اجرایی استقلال یافت. از این زمان به بعد، معمولاً یکی از استادان نامدار نقاشی

یا نقاش‌باشی دربار در صدر این نهاد قرار می‌گرفت و برای ریاست کتابخانه هم یکی از کوشندگان قلمرو علم و دانش انتخاب می‌شد؛ در حالی‌که پیش‌تر، در اوایل دوره صفوی، یکی از هنرمندان صاحب‌نام، همچون بهزاد یا صادقی‌بیک افشار یا علی‌رضا عباسی را برای ریاست کتابخانه برمی‌گزیدند.

نقاش‌خانه از سده یازدهم هجری به بعد با سایر کارخانه‌هایی که با هنر سروکار داشتند مستقیماً مرتبط بود. یکدستی و هماهنگی طرح ظروف چینی و فلزی و سفالی، منسوجات (پارچه‌های ابریشمی، قالیها، پرده‌ها) در این دوره از این واقعیت مایه گرفته است. از استقلال نقاش‌خانه در سده یازدهم هجری پیداست که دربار و جامعه آن روزگار نقاشی را هنری مستقل و قائم به ذات، نه وابسته به خطاطی و سایر هنرها، می‌شمردند. این ماجرا از زمانی شروع شد که نقاشان و طراحان پس از قطع حمایت شاه‌طهماسب از آنها (دهه ۹۵۰ق به بعد)، ناگزیر شدند کارگاههای خصوصی راه بیندازند و برای خود کار بکنند. این عمل گرچه بر کیفیت نگاره‌ها اثرگذار بود و آنها را با سلیقه عموم مردم وفق داد و از فرهیختگی آنها فروکاست، موقعیت و مقام هنر نقاشی را در جامعه تثبیت کرد و نقاشان این موقعیت و مقام را با بهره‌گیری از مضامین دینی در آثارشان، و حتی در رقماها و امضاهايشان، هرچه بیشتر استحکام بخشیدند و در اواخر دوره صفوی با فاصله‌گیری از دربار، آن را به سلیقه مردم نزدیک‌تر کردند و نقاش‌خانه خود را در دل کوچه و بازار راه انداختند. □

کتاب‌نامه

- اسکندریک ترکمان. تاریخ عالم‌آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰، ج ۱.
- _____ ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی، به کوشش احمد سهیلی خوانساری، تهران، اسلامیه، ۱۳۱۷.
- اللقاب و مواجب دوره سلاطین صفویه. تصحیح یوسف رحیملو، مشهد، ۱۳۷۱.
- کاری، جملی. سفرنامه، ترجمه عبدالعلی کارنگ، تبریز، ۱۳۴۸.
- ریشار، فرانسس. جلوه‌های هنر پارسی، ترجمه ع. روح‌بخشان، تهران، ۱۳۸۳.
- شاردن، ژان. سفرنامه، ترجمه اقبال یغمایی، ج ۲ و ۴، تهران، توس، ۱۳۲۴.
- صادقی‌بیک افشار. مجمع الخواص، ترجمه عبدالرسول خیامپور، تبریز، ۱۳۲۷.
- قاضی احمد قمی. گلستان هنر، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، منوچهری، ۱۳۶۶.
- قزوینی، محمد. یادداشت‌های محمد قزوینی، تهران، ۱۳۳۲.
- کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، ج ۱، تهران،

- مستوفی، ۱۳۷۶.
- کمپفر، انگلبرت. *سفرنامه*. ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۰.
- محمد معصوم، *خلاصه السیر*، تهران، پیشگام، ۱۳۶۸.
- مینورسکی، *تذکره الملوك*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- واله اصفهانی، محمدیوسف *خلد برین* (بخش صفویان)، تصحیح میرهانس محمد، تهران، ۱۳۷۲.
- _____، *خلد برین*، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰.
- وحید قزوینی، محمدطاهر، *تاریخ جهان‌آرای عباسی*، به کوشش میرسعید میرمحمد صادق، تهران، پژوهشگاه، ۱۳۸۳.
۲۶. همان، ص ۴۹؛ شاردن، همان، ج ۴، ص ۱۴۲۰.
۲۷. شاردن، همان، ج ۴، ص ۱۴۲۱.
۲۸. همان، ج ۲، ص ۸۹۸.
۲۹. *لقاب و مواجب دوره سلاطین صفویه*، ص ۲.
۳۰. کمپفر، همان، ص ۱۴۹-۱۵۰.
۳۱. همان، ص ۹۰.
۳۲. شاردن، همان، ج ۴، ص ۱۵۰۶.
۳۳. مینورسکی، همان، ص ۲۹.
۳۴. از طریق قیاس با مطالب شاردن در: شاردن، همان، ج ۴، ص ۱۴۲۱ - ۱۴۲۲.

Floor, W. "Dutch Painters in Iran During The First Half of the 17th Century", *Persica*, vol. 8 (1989), pp. 161-195.

Thackston, W. M. *Album Prefaces and Other Documents on the History of Calligraphers and Painters*, Leiden, Brill, 2001.

پی‌نوشتها

۱. استاد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران
2. Thackston, *Album Prefaces and Other Documents on the History of Calligraphers and Painters*, p. 95.
۳. شاردن، *سفرنامه*، ج ۴، ص ۱۴۴۷ - ۱۴۴۸.
۴. همان، ج ۴، ص ۱۴۴۸.
۵. کمپفر، *سفرنامه*، ص ۱۵۰.
۶. قزوینی، *یادداشت‌های محمد قزوینی*، ص ۷۳ - ۲۶۸؛ کریم‌زاده تبریزی، *احوال و آثار نقاشان قدیم ایران*، ج ۱، ص ۱۱۲.
۷. اسکندربیک ترکمان، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، ج ۱، ص ۱۷۴.
۸. همان، ج ۱، ص ۱۷۵.
۹. همان‌جا.
۱۰. هبو، *ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی*، ص ۲۷۵.
۱۱. همان، ص ۲۴۷؛ محمد معصوم، *خلاصه‌السیر*، ص ۲۸۶.
12. Floor, "Dutch Painters in Iran During the First Half of the 17th Century", p. 154.
۱۳. واله اصفهانی، *خلد برین*، ص ۳۷۵.
۱۴. شاردن، *سفرنامه*، ج ۴، ص ۱۴۴۷.
۱۵. همان‌جا.
۱۶. اسکندربیک ترکمان، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، ج ۱، ص ۱۷۴.
۱۷. ریشتر، *جلوه‌های هنر پارسی*، ص ۱۹۰.
۱۸. صادقی‌بیک افشار، *مجموع‌الخواص*، ص ۱۲۶ و ۱۲۹-۱۳۰.
۱۹. اسکندربیک ترکمان، همان، ج ۱، ص ۱۷۶.
۲۰. واله اصفهانی، همان، ص ۴۶۹.
۲۱. قاضی‌احمد قمی، *گلستان هنر*، ص ۱۵۲ - ۱۵۳.
۲۲. *لقاب و مواجب دوره سلاطین صفویه*، ص ۲۱.
۲۳. کمپفر، همان، ص ۱۵۲؛ *کاری*، *سفرنامه*، ص ۱۶۷.
۲۴. کمپفر، همان، ص ۱۴۵.
۲۵. مینورسکی، *تذکره الملوك*، ص ۱۲۲.